



۲
شرح احادیث
کتاب الموت
مخار الانوار

۵

www.ketab.com

تاریخ

..... حیات برزخی ۲
.....

محلہ رضیاعابدینی
تحقیق و نگارش: موسسہ مطالعات اسلامیہ رواہ

سرشناسه: عابدینی، محمدرضا، ۱۳۴۰ - عنوان و نام پدیدآور: تا ابد زندگی؛ شرح روایات کتاب الموت بحارالانوار درس گفتارهای اسناد محمدرضا عابدینی حفظه الله/ محمدرضا عابدینی؛ ویراستاران مهرا ن معدنی‌پور، سید مهدی اکرمی، محمد محبوبی، مشخصات نشر: قم: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها، دفتر نشر معارف، مشخصات ظاهری: ج ۵، شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۴۱-۵۳-۴۵۳-۹۷۸ وضعیت فهرست نویسی: فیبا یادداشت: کتابنامه، عنوان دیگر: شرح روایات کتاب الموت بحارالانوار درس گفتارهای اسناد محمدرضا عابدینی حفظه الله، موضوع: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، ۱۳۳۷-۱۱۱۱.ق. بحارالانوار-- نقد و تفسیر موضوع: احادیث شیعه -- قرن ۱۱ -- نقد و تفسیر .Hadith (Shiites) -- Texts -- 17th century -- Criticism, interpretation, etc شناسه افزوده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، ۱۳۳۷ - ۱۱۱۱.ق. بحارالانوار. شرح شناسه افزوده: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها، دفتر نشر معارف رده بندی کنگره: BPI۳۵ رده بندی دیویی: ۲۹۷/۲۱۲ شماره کتابشناسی ملی: ۸۷۶۹۴۴۸



تا ابد زندگی

..... حیات برزخی ۲
www.ketab.ir

■ مؤلف: محمدرضا عابدینی، تحقیق و نگارش: مؤسسه مطالعات اسلامی روانی ■ صفحه‌آرایی: حسین قاسمیان ■ طراح جلد: جعفرپیشه (صیریر) ■ ناشر: دفتر نشر معارف ■ نوبت چاپ: دوم، ۱۴۰۱ تیراژ: ۵۰۰ جلد ■ شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۴۱-۵۳-۴۵۳-۹۷۸ ■ قیمت: ۲۲۰/۰۰۰ تومان

دفتر نشر معارف قم، خیابان شهدا، کوچه ۳۲، شماره ۲، تلفن و نماز: ۰۲۵-۳۲۷۴۰۰۰

مؤسسه تمحیص: قم، خیابان سمیه، کوچه ۱۱، پلاک ۱، تلفن: ۰۲۵-۳۲۵۵۲۳۰

مدیریت پخش (مرکزی) قم، شرکت پاتوق کتاب، تلفکس: ۰۲۵-۳۱۰۷۷

مراکز پخش

- اراک: ۰۸۶-۲۳۳۲۹۰۲۸ ■ ارومیه: ۰۹۱۰۷۷۵۵۱۶۶ ■ اصفهان: ۰۹۱۰۷۷۵۵۱۶۳ ■ اهواز: ۰۶۱-۲۳۳۲۸۰۰۰
- ایلام: ۰۸۶-۲۳۳۶۴۲۸۲ ■ بجنورد: ۰۵۸-۳۳۲۵۱۲۳۱ ■ بردسکن: ۰۵۱-۵۵۴۳۰۱۳۱ ■ بندرعباس: ۰۷۶-۲۳۶۱۷۵۵۷
- بیرجند: ۰۵۶-۲۳۴۵۸۵۱۲ ■ تربت حیدریه: ۰۵۱-۵۲۲۸۶۵۰۰ ■ تهران: ۰۲۱-۸۹۱۱۲۱۲ ■ رشت: ۰۱۳-۳۳۳۴۵۶۹
- زاهدان: ۰۵۶-۳۳۳۲۸۸۷۹ ■ زنجان: ۰۲۶-۲۳۳۶۶۲۵ ■ ساری: ۰۱۱-۲۳۳۵۳۰۲۰ ■ سبزوار: ۰۵۱-۴۴۲۲۴۰۰۴
- سمنان: ۰۲۳-۲۳۴۵۳۲۱۱ ■ سیرجان: ۰۳۶-۴۲۲۶۸۰۵۸ ■ شهرکرد: ۰۲۸-۳۲۲۴۲۲۲۲ ■ شیراز: ۰۷۱-۲۳۳۴۶۶۱۴
- قزوین: ۰۷۶-۲۳۳۴۰۰۷۶ ■ قم: ۰۲۵-۳۲۷۳۵۰۰۳ ■ کازرون: ۰۷۱-۴۲۲۴۴۲۳۰ ■ کرمان: ۰۳۶-۲۳۳۲۱۴۶۶
- کرمانشاه: ۰۸۳-۳۳۳۲۸۴۱۱ ■ گرگان: ۰۱۷-۲۳۳۳۷۸۰۰ ■ مشهد: ۰۵۱-۲۳۵۷۵۹۶۳ ■ ملایر: ۰۸۱-۳۳۳۵۱۱۷۶
- مهر: ۰۳۱۸۱۰۰-۳۱۳۸۱۰۰ ■ فیروز: ۰۷۱-۵۲۸۲۱۶۹۰ ■ یاسوج: ۰۷۶-۳۳۳۲۸۶۲۲ ■ یزد: ۰۳۵-۱۷۳۳۲۹۵۰

www.nashremaaref.ir • E-mail: info@nashremaaref.ir



NashreMaaref

www.Tamhis.ir



ta_abad_zendegi

کتاب حقوق برای مؤسسه مطالعات اسلامی روانی محفوظ است.



- ۴۸ شهید محسوب شدن انسان پایبند به ولایت
- ۴۹ نتیجه شهادت، حیات عندالرب
- ۴۹ ۷۵-۸. روایت هفتاد و پنجم، باب هشتم
- ۴۹ متن روایت
- ۵۰ بیان مکاشفی و تمثلی روایت
- ۵۰ ۷۶-۸. روایت هفتاد و هشتم، باب هشتم
- ۵۰ متن روایت
- ۵۲ برزخ برای تکمیل صحیفه اعمال و آماده شدن برای فصل فضای قیامت
- ۵۳ بحثی درباره خلود در قیامت
- ۵۶ ایجاد آمادگی نظام برزخ برای ورود به آخرت
- ۵۶ تفاوت برزخ و قیامت
- ۵۷ ۷۷-۸. روایت هفتاد و هفتم، باب هشتم
- ۵۷ متن روایت
- ۵۷ معنای سؤال از مؤمن و کافر
- ۵۹ اهمیت توأ و تبرأ
- ۵۹ برزخ، محل تطهیر مؤمن
- ۵۹ ۷۸-۸. روایت هفتاد و هشتم، باب هشتم
- ۵۹ متن روایت
- ۶۰ اصیغ در کنار سلمان فارسی در روزهای پایانی عمر
- ۶۲ اصیغ در کنار امیرالمؤمنین علیه السلام در لحظات پایانی عمر ایشان
- ۶۴ ثواب زیارت مؤمن
- ۶۵ مقام رفیق اعلا
- ۶۶ محبت و تبعیت از ولایت، دلیل تبدیل سیئات به حسنات
- ۶۷ ۷۹-۸. روایت هفتاد و نهم، باب هشتم
- ۶۷ متن روایت
- ۶۸ کشیده شدن نظام تمثلی تا عالم دنیا
- ۶۸ توصیف آسیه
- ۶۹ ۸۰-۸. روایت هشتادم، باب هشتم
- ۶۹ متن روایت
- ۶۹ اهمیت باور به نظام تمثلی عالم

.....	۷۱
.....	۷۱
.....	۷۱
.....	۷۲
.....	۷۲
.....	۷۲
.....	۷۶
.....	۷۶
.....	۷۶
.....	۷۷
.....	۷۷
.....	۷۸
.....	۷۹
.....	۸۰
.....	۸۰
.....	۸۱
.....	۸۲
.....	۸۳
.....	۸۴
.....	۸۴
.....	۸۵
.....	۸۶
.....	۸۷
.....	۸۸
.....	۸۸
.....	۸۸
.....	۸۹
.....	۹۰
.....	۹۱
.....	۹۱

۹۳	حقیقت بدن	۷۷
۹۳	برزخ بودن عالم مثال	۷۷
۹۳	خداوند، مبدأ و معاد همه اشیا	۷۷
۹۴	کیفیت انتقال معنا با روش تنزل	۷۷
۹۶	مراتب و کیفیت سیر انسان	۷۷
۹۷	حقیقت بازگشت در عالم پیوسته	۷۷
۹۷	کیفیت بازگشت مخلوقات مختلف	۷۷
۹۸	احتمال سقوط مخلصان	۷۷
۹۹	چرایی سقوط انسان ظاهراً خوب	۷۷
۹۹	چگونگی خبث ذاتی انسان مخلص	۷۷
۱۰۰	وجود درجه‌ای از آتش در مقابل هر درجه از بهشت	۷۷
۱۰۱	نحوه ارتباط ارواح در نظام ارواح	۷۷
۱۰۱	سنخیت بین ارواح مؤمنان و نبود گسست میان آن‌ها	۷۷
۱۰۲	اظله، مرتبه علم الهی	۷۸
۱۰۳	بروز روابط حقیقی هنگام ظهور	۷۸
۱۰۳	ملاقات ارواح مؤمنان با یکدیگر پس از مرگ	۷۸
۱۰۴	رحمت الهی، عامل نجات از دنیا و گناهان عالم هلاکت	۷۸
۱۰۵	وجود ادراک پس از مرگ، موجب عذاب اشقیاء	۷۸
۱۰۷	* جلسه نوزدهم	۷۸
۱۰۷	۸-۸۸. روایت هشتاد و هشتم، باب هشتم	۷۸
۱۰۷	متن روایت	۷۸
۱۰۸	مراتب دیدار متوفی با اهلش	۷۸
۱۰۹	تأثیر زمان‌ها و مکان‌های خاص بر سرعت کمال انسان	۷۸
۱۱۰	دوام برکات ایام الله و گرمی داشتن آن	۷۸
۱۱۱	اهمیت روز جمعه در زیارت اهل قبور	۷۸
۱۱۱	۸-۸۹. روایت هشتاد و نهم، باب هشتم	۷۸
۱۱۱	متن روایت	۷۸
۱۱۲	دیدار لذت بخش مؤمن و عذاب آور کافر میت با اهلش	۷۸
۱۱۳	قوام سه موطن دنیا و برزخ و قیامت به انسان	۷۸

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الذي تجلي بذاته والصلوة على شواهد صفاته ومظاهر تجلياته سيما سيد الكونين و
جامع المرتبتين وقائد النشاطين وخلاصة العالمين محمد المصطفى وآله وذريته مرآتي صفاته
العليا وشواهد أسمائه الحسنی صلوة توازي حق إرشادهم وتكافئ جزاء إحسانهم وإرفادهم.
همه هستی از خزائن الهی نازل و لباس تقدیرات را به تن پوشانده و در حدود و تعینات
مخفی می شود، به؛ «وَأَنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنزِلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَعْلُومٍ»^۱
انسان به عنوان خلیفه الهی، حامل امانت خدا و همه اسمای الهی است که همه ملائکه
در خدمت او قرار گرفته و بر او سجده کردند و شیطان از امر الهی به سجده، سرپیچی کرد.
در مرتبه خلقت «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ * ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ»^۲، تقدیر انسان،
آمدن به دنیا و محدود شدن به همه حدود و تعینات عوالم وجود بود.
عالم وجود در بازگشت به سوی خداوند باید از این حدود و تعینات جدا گشته و مرحله
به مرحله و منزل به منزل به سوی وادی اطلاق و کرانه بی کران حرکت کند، به؛ «مَا عِنْدَكُمْ
يَنْفَدُ وَمَا عِنْدَ اللَّهِ بَاقٍ»^۳.

مقدمه

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الذي تجلي بذاته والصلوة على شواهد صفاته ومظاهر تجلياته سيما سيد الكونين و
جامع المرتبتين وقائد النشاطين وخلاصة العالمين محمد المصطفى وآله وذريته مرآتي صفاته
العليا وشواهد أسمائه الحسنی صلوة توازي حق إرشادهم وتكافئ جزاء إحسانهم وإرفادهم.
همه هستی از خزائن الهی نازل و لباس تقدیرات را به تن پوشانده و در حدود و تعینات
مخفی می شود، به؛ «وَأَنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنزِلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَعْلُومٍ»^۱
انسان به عنوان خلیفه الهی، حامل امانت خدا و همه اسمای الهی است که همه ملائکه
در خدمت او قرار گرفته و بر او سجده کردند و شیطان از امر الهی به سجده، سرپیچی کرد.
در مرتبه خلقت «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ * ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ»^۲، تقدیر انسان،
آمدن به دنیا و محدود شدن به همه حدود و تعینات عوالم وجود بود.
عالم وجود در بازگشت به سوی خداوند باید از این حدود و تعینات جدا گشته و مرحله
به مرحله و منزل به منزل به سوی وادی اطلاق و کرانه بی کران حرکت کند، به؛ «مَا عِنْدَكُمْ
يَنْفَدُ وَمَا عِنْدَ اللَّهِ بَاقٍ»^۳.

۱. حجر (۹۲)، آیه ۱۰.

۲. تین (۹۵)، آیه ۴.

۳. نحل (۱۶)، آیه ۹۶.

۱. حجر (۹۲)، ۲۱.

۲. تین (۹۵)، ۴-۵.

۳. نحل (۱۶)، ۹۶.

حرکت از حدود و شکستن آنها، تقدیر همه موجودات مشهود و علوی و سفلی عوالم سماوات و ارض است «مَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَأَجَلٍ مُّسَمًّى»^۱ که همه هستی مشهود در حالت جذب، رهسپار غایتی است که از پیش او را می خواند و قوه ای که او را از پی می راند و قوایی که در این سفر، او را همراهی برای این حرکت می کنند. البته ملائکه حافظ و ملائکه رقیب و عتید و ملائکه دیگر و همچنین شیاطین و ... هر کدام به نحوی با این عصاره هستی در این سفر با او مرتبط می شوند.

نگاه با این افق که انسان از خزائن و اسمای الهی نشأت گرفته و در عین متعین شدن به همه حدود، دوباره به سوی خداوند رهسپار می شود - «مَا خُلِقْتُمْ لَلْفَنَاءِ بَلْ خُلِقْتُمْ لَلْبَقَاءِ وَ إِنَّمَا تُنْقَلُونَ مِنْ دَارٍ إِلَى دَارٍ»^۲ - رها شدن از حدود را مژده می دهد که هر مرگی پاره کردن زنجیر حدی به سوی رهایی است و هر مرگی دو وجهه دارد که از منظر دنیایی، اجل و سرآمد و فراق و عدم و از منظر الهی، قرب و وصال و کمال و نور و لذت و سرور است. هر خروجی، ورود است و با هر گسستگی، پیوستن و با هر فنایی، بقایی است؛ «وَجَاءَتْ سَكْرَةُ الْمَوْتِ بِالْحَقِّ ذَلِكَ مَا كُنْتُمْ مِنْهُ حَاذِرِينَ»^۳

انسان عرش نشین مسجود ملائکه که در زمین به تن نشسته، لحظه به لحظه با اطاعت از او امر الهی و مردن، از رها بودن از اراده خود، حیات به امر الهی پیدا می کند و با پیوستن به شوون ربوبی، غبار تن شسته و در یک خانه تکانی از دنیا، خیمه خود را بار دیگر در عالم قدس و نور به پا می کند که مرگ در آنجا ذبح شده و به حیات ابدی که دغدغه اساسی انسان است واصل می شود؛ «عِنْدَ مَا يَخْلُ أظْنَابِ خِيَامِ الدُّنْيَا وَيَشُدُّهَا فِي الْأَخِرَةِ»^۴. با اینکه انسان از بدن آغاز می شود، ولی انسان بدون بدن، انسان است اما به انسان بدون روح، فقط جسد اطلاق می شود.

صفات نقصی مربوط به بدن است که هر چه قوت تن و احکام آن در سیر صحیح الهی ضعیف تر شود، قوای روحی قدرتش آشکارتر می شود؛ چنانچه خواب و موت از

۱. احقاف (۴۶)، ۳.

۲. بحار الأنوار، ج ۷۸، ص ۵۸.

۳. ق (۵۰)، ۱۹.

۴. بحار الأنوار، ج ۶، ص ۱۳۳.

خصوصیات بدن است که نفس آن را می چشد؛ «كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ»^۱. و نفس و روح انسان از امثال خواب و موت در امان است و آنچه که مربوط به نفس و روح است، توفی و قبض می باشد.

انسان در هر نفس و هر شب و روز توفی و ارسال می شود؛ «اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا وَالَّتِي لَمْ تَمُتْ فِي مَنَامِهَا فَيُمْسِكُ الَّتِي قَضَىٰ عَلَيْهَا الْمَوْتَ وَيُرْسِلُ الْأُخْرَىٰ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ»^۲.

در سؤالی که از امام باقر علیه السلام می شود که موت چیست؟ می فرمایند: «هُوَ النَّوْمُ الَّذِي يَأْتِيكُمْ كُلُّ لَيْلَةٍ إِلَّا أَنَّهُ طَوِيلٌ مُّدَّتُهُ لَا يُنْتَبَهُ مِنْهُ إِلَّا يَوْمَ الْقِيَامَةِ»^۳

و در تعبیر دیگر موت برای مؤمن، شستن چرک ها و آلودگی ها و درآوردن لباس های کثیف یا وارد شدن در حمام و نجات از هر غم و غصه و آلم و درد ذکر شده است یا رسیدن به هر سرور و فرح و آرزو و جد شدن از رجم تنگ عالم طبیعت و ورود به عالم وسیع و عظیم و شیرین جنات الهی، و از زندان به قصر و بهار کردن زنجیرها و غل های سنگین و پوشیدن بهترین لباس ها و استنشام خوشبوترین گل ها و بهره مندی از بهترین امکانات است. مراتب عود در سیر معادی، مراتب موت و حیات به سوی انگرگاه هستی است، که عالم آخرت باشد.

اعتقاد به موت و لقای حق، اعتقاد به همه معارف دیگر را به دنبال می آورد؛ «إِنَّ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا وَرَضُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاطْمَأَنَّنُوا بِهَا وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ آيَاتِنَا غَافِلُونَ * أُولَٰئِكَ مَا لَهُمْ مِنَ النَّارِ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ»^۴. «فَأَعْرَضَ عَنْ مَنْ تَوَلَّىٰ عَنْ دُبُرِنَا وَلَمْ يُرِدْ إِلَّا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا * ذَٰلِكَ مَبْلَغُهُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِمَنِ اهْتَدَىٰ»^۵

و در روایت وارد شده است که انسان وقتی استحقاق ولایت شیطان را پیدا می کند که آرزوهای دنیا جلوی چشمش قرار گیرد و یاد مرگ را فراموش کند.^۶

۱. آل عمران (۳)، ۱۵۸.

۲. زمر (۳۹)، ۴۲.

۳. معانی الأخیار، ص ۲۸۹.

۴. یونس (۱۰)، ۷-۸.

۵. نجم (۵۳)، ۲۹-۳۰.

۶. بحار الأنوار، ج ۶، ص ۱۲۶. «وَقَالَ: إِذَا اسْتَحَقَّتْ وَلَايَةُ الشَّيْطَانِ وَالشَّقَاوَةُ جَاءَ الْأَمَلُ بَيْنَ الْعَيْنَيْنِ وَذَهَبَ الْأَجَلَ وَرَاءَ الظُّهْرِ»